

تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور

دکتر حسینعلی قبادی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر فردوس آقاگل زاده

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

سیدعلی دسپ

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

تحلیل گفتمان از اندیشه‌های زبان‌شناسان، نشانه‌شناسان، محققان هرمنوتیک و آرای میشل فوکو^۱ (۱۹۲۶-۱۹۹۲م) سرچشمه گرفته است. با اینکه این شیوه از تحلیل در رویکردهای نقد ادبی با ساختارگرایی، فرمالیسم و هرمنوتیک بیشتر پیوند دارد، برخلاف رویکردهای یادشده بر هر دو جنبه صورت و معنای متن توجه می‌کند؛ از این رو، رویکردی جامع در تحلیل متن است. صاحب‌نظرانی چون نورمن فرکلاف^۲، روث وداک^۳، تئون ون دایک^۴، راجر فاولر^۵ و گونتر کرس^۶ در معرفی و رشد تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان گرایشی نو در تحلیل متن نقش داشته‌اند. در این پژوهش از میان رویکردهای یادشده، رویکرد نورمن فرکلاف به‌عنوان روش خاص این تحقیق انتخاب شده است. در پژوهش حاضر سعی بر این است که رمان سووشون (۱۳۴۸) با استفاده از این رهیافت تحلیل و تبیین گردد و چگونگی نگرش نویسنده در پردازش رمان بررسی شود. همچنین با عرضه روشی تازه لایه‌های مختلف معنا و درون‌مایه، که معنای

نزدیک‌تر به رمان دارد، کشف شود. نتیجه پژوهش این است که دانشور با نگاه و رویکردی ویژه که به تحولات سیاسی و اجتماعی دوره معاصر داشته، میان عناصر اجتماعی، سیاسی و اسطوره‌ای پیوند برقرار کرده است. این رویکرد و نگرش ویژه با دیدگاه‌های دیگران متمایز بوده است که می‌توان از آن به جهان‌نگری و ایدئولوژی ویژه وی نام برد. از دیدگاه تحلیل‌گفتمان انتقادی، سیمین دانشور در این اثر با انتخاب واژگان خاص، استفاده از جنبه‌های حماسی و اساطیری و پیوند آن با مذهب و تعمیم دادن این عنصر به دوره معاصر، هویت مستقل انسان ایرانی را جست‌وجو کرده است. وی موفق شده است از طبقه متوسط جامعه قهرمان ضداستعماری بسازد و نیز تحول طبیعی و تدریجی نقش‌پذیر زن را از همسری خانه-دار تا مصلحی اجتماعی ارتقا دهد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات انتقادی، تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف، سیمین دانشور،

سووشون.

۱. مقدمه

از نخستین دوره شکل‌گیری ادبیات داستانی جدید در ایران - که می‌توان آن را دوره مشروطه و شکل‌گیری رمان‌واره‌های سفرنامه‌ای فارسی قلمداد کرد- نویسندگان همواره به تحولات سیاسی و اجتماعی نظر داشته‌اند. نوع نگاه نویسندگان به این تحولات در شکل‌گیری رمان‌ها تأثیر تعیین‌کننده داشت و برعکس، آفرینش رمان فارسی نیز در آگاهی مردم از این دگرگونی‌ها بی‌تأثیر نبوده است (رک کسروی، ۱۳۵۹: ۳۸-۵۰؛ آراین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۳۸).

نویسندگان رمان‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی هر کدام با نگرش و جهان‌بینی ویژه و شیوه‌های مختلف نگرش خود را در مقابله با جامعه نادرخواه ارائه، و گه‌گاه راهکارهایی نیز در این زمینه عرضه می‌کردند. سیمین دانشور یکی از نویسندگان برجسته معاصر ایران است که در داستان‌هایش به تحولات سیاسی و اجتماعی و انسان معاصر رهیافت و نگاهی ویژه دارد. در آثار دانشور نمودهای فراوانی از سنت، فرهنگ، هویت، اخلاق، مردمداری و مذهب که مطابق با سرشت این مرز و بوم است، بازتاب یافته است. دانشور در رمان‌هایش انفعال صرف در برابر تجدد و فرهنگ غرب را به

چالش‌کشانده و معتقد است توجه به هرگونه پیشرفت، تجدد، فناوری و آگاهی اجتماعی در صورتی پذیرفتنی است که با سنت، مذهب، آیین و فرهنگ ایرانی و اسلامی همساز و همگون باشد.

۲. بیان مسئله

نظریاتی گوناگون در بررسی و تحلیل متون ادبی و ارتباط آن با عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌ظهور رسیده و رویکردهای عمده را در نقد ادبی پدید آورده است. رویکردهای تحلیل متن به دو روش تحلیل صورت و معنای متن، متون را ارزیابی کرده‌اند. از روش‌هایی که به صورت متن توجه دارند، می‌توان نظریه نقد فرمالیستی، ساختارگرایی و نقد نو را نام برد. روش‌های نقد هرمنوتیکی و پساساختارگرایی هر کدام در کشف معنای متن نظریاتی را عرضه کرده‌اند. یکی از رویکردهای مؤثر در تحلیل متن‌های ادبی، ظهور شیوه تحلیل گفتمان انتقادی^۷ است.

صاحب‌نظران این رهیافت در حوزه نقد ادبی برآن‌اند که در تحلیل متن‌های ادبی افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نقش دارند. در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسان تحلیل متن، دیگر صرفاً با عناصر لغوی تشکیل‌دهنده جمله به‌عنوان اصلی‌ترین مبنای تشریح معنا یعنی زمینه متن^۸ یا همبافت سروکار نداریم؛ بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی^۹، فرهنگی، اجتماعی و غیره توجه داریم (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸ مقدمه گردآورنده). پیروان این رویکرد، ادبیات را سرشار از اظهارات فراواقع می‌دانند که حقیقت در پشت آن‌ها نهفته است و این اثر ادبی است که با بازتاب نظام‌های رفتاری و اجتماعی، سند تاریخی به‌شمار می‌آید و می‌توان آن را تاریخ فعال دانست (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۳۱-۱۳۳).

هر متنی در شرایطی ویژه و با درجاتی متفاوت از انتخاب و در نسبتی از قدرت، تولید می‌شود و با همین درجات متفاوت نیز در دسترس خواننده قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، زبان ابزار مهمی برای برقراری و حفظ روابط و بازتاب دیدگاه‌های اجتماعی-سیاسی است. هیچ متنی را نمی‌توان یافت که عاری از دیدگاه‌های شخصی

نویسنده و... باشد. همچنان که واقعیت اجتماعی ناب وجود ندارد، گفتمان خشی و بی طرف نیز وجود ندارد و ما با گفتمان‌ها یا متن‌های وابسته به شخص یا جناح خاص، ایدئولوژی خاص و فرهنگ خاص و... روبه‌رو هستیم (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۰). در تجزیه و تحلیل متون آنچه متن‌ها را شکل می‌دهد، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های حاکم بر آن‌هاست و هیچ متنی وجود ندارد که خبری محض را به مردم بدهد؛ بلکه همگی جهت‌دار و دارای بار ایدئولوژیکی و تفسیری هستند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۳).

ادبیات و رمان به دلیل حقیقت‌مانندی و توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق، نگرش نویسنده را دربردارد؛ زیرا رمان جدی‌ترین قالب‌ها از جهت درآمیختگی با ابعاد اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌رود و اهمیت آن در عرصه ادبیات آن‌گاه بیشتر آشکار می‌شود که جوامع دچار دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی شوند. رمان بیش از هر قالب ادبی توان توصیف این تحولات را دارد. به‌همین سبب، بسیاری از منتقدان از جمله ویلیام هزلیت^{۱۱} (۱۸۳۰-۱۸۷۸م) و ای. ام. فورستر^{۱۲} و دیگران، ادبیات داستانی و رمان را بازآفرینی واقعیت دانسته‌اند (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۴۰۵-۴۱۱). از این‌رو، در یک نگاه شاید بتوان گفت عنصر حقیقت‌مانندی بیش از هر عنصر ادبی در حوزه رمان مصداق دارد.

اوج هنر داستان‌نویسی دانشور در رمان *سروشون* است که در سال ۱۳۴۸ منتشر شد. «این اثر از حیث فن داستان‌نویسی و هنر پردازش شخصیت‌های داستانی و پرورش درون‌مایه به‌حدی قوی و سترگ است که شاید بتوان آن را نقطه عطفی در تاریخ داستان معاصر ایران دانست.» (قبادی، ۱۳۸۳: ۴۶). سیر تکاملی در داستان این‌گونه است که دانشور تحولات سیاسی، اجتماعی یا حتی اقتصادی را در سال‌های جنگ جهانی دوم در شیراز نشان داده و با انتخاب حدیث خون سیاوشان، جنبه‌های حماسی و اساطیری را به رمان افزوده است. آنچه در این داستان مهم جلوه می‌کند، نقش زری -شخصیت اصلی داستان- است و قصه حول محور او می‌چرخد. این انتخاب جهان‌بینی خاص سیمین دانشور را بیان می‌کند که به شیوه‌های گوناگون در پی بیان حقوق ازدست‌رفته زنان و احترام به آزادی‌های بنیادی زن است (حسن‌لی، ۱۳۸۶: ۱۱).

در بررسی رمان *سروشون* کوشش می‌شود جهان‌بینی نویسنده درباره موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نیز عوامل مؤثر در تولید رمان کشف شود. همچنین این

پژوهش روشن می‌کند که چگونه دانشور موفق شد در رمان سووشون میان عناصر اجتماعی و زمینه‌های سیاسی و پردازش اسطوره‌ای و حماسی متن پیوند ایجاد کند؟ و نیز از نظر تحلیل گفتمان انتقادی در این رمان چه تغییراتی در ایفای نقش گروه‌های مختلف و جنسیت رخ داده است؟

۳. پیشینه پژوهش

درباره عناصر داستان (درون‌مایه، شخصیت‌پردازی و...) در رمان سووشون تحقیقاتی انجام شده است؛ چه به صورت مستقل و چه در کتاب‌ها و نقدهایی که درباره ادبیات داستانی معاصر ایران نوشته شده است. هیچ کدام از این پژوهش‌ها رمان را از نظر پیوند بین صورت و معنای متن (بررسی تحلیل گفتمانی رمان و توجه به بافت متن و بافت موقعیت و همسازی این دو بافت در رمان) تحلیل نکرده است. از آثار و نقدهایی که درباره این رمان نوشته شده و تا حدودی به بافت موقعیت در رمان سووشون اشاره‌ای کرده است، می‌توان کتاب نسبتاً مفصل *جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور* نوشته هوشنگ گلشیری را نام برد. فصل سوم این کتاب به رمان سووشون پرداخته است. گلشیری در مقدمه‌ای کوتاه با تلاش برای یافتن نام صحیح رمان کارش را آغاز کرده است. پس از آن، زمینه نگارش و جایگاه رمان را در بین آثار دانشور بازگفته است. در بخش بعدی کتاب زمینه‌های تاریخی رمان با توجه به مستندات تاریخی بررسی شده است. در این اثر رمان سووشون از نظر تقابل‌های بین زن و مرد، برون و درون، واقعیت و آرزو کاویده شده است. نویسنده نقش زری را در رمان به‌عنوان زنی که در آغاز منفعل بوده و در پایان دگرگون شده، تحلیل کرده است (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۳۹-۱۴۷). یوسف نیز یادآور سیاوش است. گلشیری بخشی از کتابش را به بیان رمزی در سووشون اختصاص داده و یادآور شده است نویسنده در این رمان با تقابل قرار دادن دو زمان، یعنی تاریخ مرگ یوسف (۲۹ مرداد) ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را به‌یاد می‌آورد. تقابل میان خانه و باغ زری با کل ایران که این یکی اشغال شده و آن یک نیز اشغال می‌شود، در رمان مشخص است. از نظر مفهوم، سووشون اشارتی است به مراسم سیاوشان که ادامه اسطوره ایرانی است و در این رمان آنچه برای یک شخص یعنی زری اتفاق افتاده، همان است که بر همه مردم رفته است (همان، ۱۳۷۶: ۱۴۹-۱۵۱).

از مقالاتی که دربارهٔ موقعیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی **سروشون** بحث کرده است، «تحلیل درون‌مایه‌های **سروشون** از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان‌های اجتماعی» نوشتهٔ قبادی (۱۳۸۳) است. نویسندهٔ این مقاله درون‌مایه‌های **سروشون** را از نگاه گفتمان‌های اجتماعی بررسی کرده است. او راز اقبال عمومی به **سروشون** را در اندیشه‌ورزی و صداقت در آفرینش ادبی، بهره‌گیری از میراث‌های اسطوره‌ای و گنجینه‌های عناصر ایرانی - اسلامی و قدرت بازآفرینی هنری و ادبی می‌داند که در کنار درگیری با چالش‌های اجتماعی و سیاسی، در بیان حقایق مصالح ملی و انسانی، برنامه‌های استعماری و اشغالگری پنهان و آشکار به‌گونه‌ای جامع، ابتکاری و نوآورانه گفتمان‌های روزگار صداقت تمام داشته است و توانسته ادبیات معاصر داستانی را با جنبه‌های بومی پیوند دهد.

تنها پایان‌نامه‌ای که تاحدودی از نظر موقعیت سیاسی و اجتماعی رمان **سروشون** را بررسی کرده، پایان‌نامهٔ سرمشقی (۱۳۸۵) با عنوان **رویکرد جامعه‌شناختی و فمینیستی در تحلیل رمان سروشون سیمین دانشور** است. نویسنده پس از بررسی رویکرد جامعه‌شناسی رمان در نقد ادبی، به تحلیل رمان **سروشون** بر اساس شیوه‌های نقد جامعه‌شناختی رمان پرداخته و مناسبات **سروشون** را با نگاه اسطوره‌ای و نسبت با جامعهٔ روایت‌شده در داستان بیان کرده است. در فصل آخر نیز رمان را از نظرگاه رویکرد فمینیستی تحلیل کرده است. نویسنده در بررسی بخش‌های تاریخی داستان (سرمشقی، ۱۳۸۵: ۹۵-۱۰۸) به مکان‌های باستانی در شیراز، و مکان‌های مقدسی چون هفت‌تان، مرتاض‌علی و باباکوهی (همان، ۹۷) دقت نظر خوبی دارد. اما نتیجهٔ مشخصی ندارد که دستاوردهای تحقیق را نمایان کند. در واقع انگیزهٔ اصلی پژوهش، توجه به نگرش و جهان‌بینی سیمین دانشور در زمینهٔ تحولات اجتماعی و سیاسی و پیوند آن با جنبه‌های اساطیری و دینی است که در پژوهش‌های انجام‌شده از نظر توجه نویسنده به این موضوع در کاربرد بافت متن و انتخاب واژگان خاص متناسب با بافت موقعیت نادیده گرفته شده است.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش بر نظریهٔ تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی است. این روش در شناخت تبعیض‌ها، نابرابری‌ها، کشف خود و دیگری و شناساندن نوع نگاه نویسنده و جنبه‌های

ایدئولوژی در آثار ادبی کارآمد است. این شیوه با ابزار زبان‌شناختی می‌تواند لایه‌های زیرین معانی متون داستانی را با استفاده از عواملی چون بافت تاریخی، روابط قدرت، نهادها و فرایندهای اجتماعی و ایدئولوژیکی آشکار کند.

در این پژوهش رمان سووشون از دیدگاه تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی بررسی و تحلیل شده است؛ ضمن اینکه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، درون‌مایه‌ها و نگاه ایدئولوژیک نویسنده رمان مورد توجه بوده است. بنابراین، متن رمان در سه سطح توصیف (از نظر توجه به انتخاب نوع واژگان از میان مدل‌های موجود، روابط هم‌نشینی واژگان، کاربرد اسامی خاص و اسم‌سازی و به‌طور کلی تحلیل انتزاعی متن که نگاه ایدئولوژیک نویسنده را دربردارد)، تفسیر (توجه به جنبه بینامتنی و تاریخی در رمان) و سطح تبیین (توجه به نگاه ایدئولوژیک نویسنده در تقابل یا تأیید گفتمان موجود جامعه و قدرت که این مرحله با تکیه بر دو مرحله توصیف و تفسیر به‌دست می‌آید). بررسی و تحلیل شده است. روش تحلیل این‌گونه است که ابتدا به بافت موقعیت (موقعیت تاریخی، جامعه‌شناسی و محیطی) به‌عنوان عناصر گفتمان - که مهم‌ترین ویژگی تحلیل گفتمان است - پرداخته شده؛ در ادامه متناسب با پرسش‌های نورمن فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، و مطابق با آنچه از عناصر بافت موقعیت در اثر بازتاب یافته، شاخص‌هایی انتخاب و تحلیل شده است. بخشی از این تحلیل در سه سطح به جنسیت و نقش زن در اثر اختصاص دارد.

۱-۴. تعریف مفاهیم و سیر تحول تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی از زبان‌شناسی انتقادی ناشی می‌شود. در اواخر دهه ۱۹۷۹م گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای هالیدی^{۱۲} (فاولر، گونتر کرس، هاج^{۱۳} و ترو^{۱۴}) در دانشگاه ایست آنجلسایی نوروچ انگلستان گرد هم آمدند. ایشان در مطالعات خود درباره کاربرد زبان، رویکرد زبان‌شناسی انتقادی را برگزیدند و در کتاب معروف خود *زبان و کنترل* (۱۹۷۹) این اصطلاح را به‌کار بردند. هدف آنان از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود. زبان‌شناسان انتقادی این حرکت را جدایی از جریان اصلی زبان‌شناسی، یعنی زبان‌شناسی صورت‌گرای چامسکی می‌دانستند و معتقد بودند در جریان صورت‌گرای،

هنگام توصیف زبان فقط به صورت و ساخت زبان توجه می‌شود و کارکردهای اجتماعی آن نادیده گرفته می‌شود (آفاگل زاده، و غیثیان، ۱۳۸۶: ۳۹).

نظریه‌پردازانی چون نورمن فرکلاف، تئون ون دایک، گونتر کرس، راجر فاولر و روث وداک در معرفی و رشد تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان گرایشی نو در مطالعات زبان‌شناختی نقشی مهم داشته‌اند.

این رویکرد از زبان‌شناسی، زبان و گفتمان را در ارتباط با مسائل کلان جامعه از قبیل نهادهای اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های مرتبط با مراکز قدرت سیاسی و اجتماعی به‌کار گرفته‌اند. زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی است و در تحلیل متون ادبی بسیار پررنگ واقع شده است. همچنان‌که رونالد کارتر^{۱۵} نیز معتقد است واژه ادبیات را جدا از ایدئولوژی نمی‌توان به‌کار برد (آفاگل زاده، ۱۳۸۶: ۲۰).

این رویکرد از نظر روش‌شناختی، برگرفته از روش‌های موجود در رویکردهای تحلیل گفتمان است؛ یعنی میزان قطعیت یا ساخت وجهی را از روش زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌بنیاد هالیدی، گشتار را از زبان‌شناسی زایشی چامسکی و کنش‌گفتار را از سرل^{۱۶} گرفته است. این رویکرد از فرایند مجهول‌سازی، گفتار مستقیم و غیرمستقیم، گزینش واژگان و ساخت تعدی به‌عنوان مقوله معنایی نه نحوی در تحلیل متون به‌ویژه متون مطبوعات استفاده می‌کند. در این رویکرد گفتمان از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین تشکیل شده است. زبان در هر یک از این سطوح دارای بار ایدئولوژیک است (آفاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۹ و ۱۳۸).

رویکردهای گوناگون نسبت به تحلیل گفتمان انتقادی از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؛ ولی همگی اتفاق نظر دارند که از توصیف زبانی باید فراتر رفت تا بتوان به تبیین دست یافت و نشان داد که نابرابری‌های اجتماعی در زبان خلق می‌شود و در آن بازتاب می‌یابد. همچنین باید به کمک این رویکردها این نابرابری‌های اجتماعی را کشف کرد و شرایط آن‌ها را تغییر داد (همان، ۱۲۲).

خلاصه اینکه تحلیل گفتمان انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد، بلکه افراد و نهادهایی را نیز بررسی می‌کند که شیوه‌هایی گوناگون برای معناپردازی در متن

دارند. بنابراین در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان‌کاوی تجزیه و تحلیل ساختارها و معناهایی است که بار ایدئولوژیک دارند (مکاریک، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۶۱).
 زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت و کنترل و تجلی آن‌ها علاقه‌مند است. به عبارت دیگر، هدف این رویکرد، بررسی انتقادی نابرابری اجتماعی است آن‌گونه‌که در زبان به کار می‌رود (آقاگل‌زاده، و غیثیان، ۱۳۸۶: ۴۱). بنابراین، سه مفهوم الزاماً در تمام رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد: انتقاد، قدرت و ایدئولوژی که در دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی و تحلیل کلام به آن‌ها توجه نشده است.

۲-۴. چارچوب نظری پژوهش و رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار سایر شیوه‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و مرجعی است که در ستیز با استعمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فرکلاف معتقد است تلاش‌های اولیه در مورد زبان‌شناسی انتقادی به اندازه کافی بر کنش‌های تغییر مخاطبان تمرکز نداشته است. او مدعی است فعالان حوزه زبان‌شناسی انتقادی در اغلب موارد در کارهای خود بر این پیش‌فرض بودند که مخاطبان متون را دقیقاً به همان روش تحلیلگر تفسیر می‌کنند و مطالعات اولیه در حوزه زبان‌شناسی انتقادی بیشتر حول محور تحلیل‌گرایی و لغوی بوده است و به تحلیل بینامتنی متون توجه بسیار کمی کرده‌اند. تحلیل زبان‌شناختی بر اجزای جمله تمرکز زیادی داشته است؛ درحالی‌که به سازمان‌های سطح بالاتر از کل متن بی‌توجه بوده است (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۲۸-۳۱). به این دلیل بود که فرکلاف در مطالعات اولیه خود رویکردش را در حوزه زبان و گفتمان، مطالعه زبان انتقادی نام نهاد. او هدف این رویکرد را کمک به ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی- استثماری دانست که از طریق ایجاد تمرکز بر زبان، این روابط را تعریف می‌کند (همو، ۱۹۹۸: ۱۴).

فرکلاف تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند (همو، ۱۹۹۵: ۵۷). وی بر این باور است متن در درجه اول کلیتی دارد که به آن وابسته است. در متن مجموعه‌ای از عناصر هست که علاوه بر اینکه به یکدیگر مرتبط‌اند، کلیتی را می‌سازند که به آن گفتمان می‌گویند. متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است. این عوامل هم در فرایند تولید متن و هم در فرایند تفسیر متن مؤثرند. فرایند تولید و تفسیر دارای تعامل و کشش دوسویه‌اند و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌کند. هر متنی علاوه بر بافت متن و فرایند تفسیر متن از شرایط اجتماعی متأثر است که متن در آن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیری بیشتر نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد (نیستانی، ۱۳۸۳). بنابراین، سطوح تحلیل گفتمان از نظر فرکلاف عبارت است از: سطح اول گفتمان به مثابه متن، (مرحله توصیف)؛ سطح دوم گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (مرحله تفسیر)؛ سطح سوم که سطح کلان است، گفتمان به مثابه زمینه است (مرحله تبیین). مرحله توصیف به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان فارغ از نقش زمینه می‌پردازد. مرحله تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است. مرحله تبیین نیز گفتمان را به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌کند.

۵. خلاصه رمان سووشون

رمان سووشون با عقدکنان دختر حاکم و رفتن یوسف و زری به این جشن آغاز می‌شود. اعیان و اشراف شهر و فرماندهان و سران قشون انگلیسی هم که شیراز را زیر سلطه خود قرار داده‌اند، به جشن دعوت شده‌اند. در این جشن سرجنت زینگر که قبلاً مأمور فروش چرخ خیاطی بود، سعی دارد یوسف را راضی کند تا محصولات خود را به ارتش انگلیس بفروشد که در جنگ جهانی دچار کمبود آذوقه شده‌اند. یوسف نمی‌پذیرد و می‌خواهد محصولش را به مردم قحطی‌زده شیراز بدهد. در برابر یوسف، برادر اوست که تلاش می‌کند با راضی‌کردن یوسف به فروش آذوقه و خدمت به انگلیسی‌ها به مقامی برسد. ایستادگی یوسف در مقابل برادرش و خارجی‌ها و رفتار

تحقیرآمیز او با آنان، زری را بسیار نگران می‌کند. او سعی می‌کند با رفتار مسالمت‌آمیز یوسف را آرام کند؛ ولی این کار سودی نمی‌بخشد. چند روز بعد، یوسف برای رسیدگی به وضع مردم به روستا می‌رود. زری از رفتن او دل‌نگران است. هر شب کابوس می‌بیند و هر چه زمان می‌گذرد، خواب‌هایش آشفته‌تر می‌شود. او در خواب‌هایش یوسف را سیاوشی دیگر می‌بیند. داستان در این بخش بعد اساطیری به خود می‌گیرد. پس از دو هفته جسد خونین یوسف را که با تیر نامعلومی کشته شده است، به خانه می‌آورند. مرگ یوسف زری را دچار آشفتگی و پریشانی می‌کند، به‌گونه‌ای که همه فکر می‌کنند او دیوانه شده است. زری در حالت خواب و بیداری گذشته، حال و آینده خود را پیش چشم می‌آورد. سخنان دکتر عبدالله‌خان ترس و وحشت او را از بین می‌برد و آرامش و امید به او می‌بخشد. او که تا قبل از این ماجرا زنی مسالمت‌جو و به دنبال آرامش خانه‌اش بود، آگاه می‌شود و از تردید نجات می‌یابد و دیدش به زندگی تغییر می‌کند (سووشون، ۱۳۸۷).

۶. عناصر تحلیل گفتمان و بافت موقعیت در رمان سووشون

تحلیل گفتمان متن را در دو سطح بافت متن و بافت موقعیت تحلیل می‌کند. توجه به این سطوح در کشف ایدئولوژی و نگرش نویسنده از اهمیت بسیاری برخوردار است. این بخش از مقاله مهم‌ترین عناصر بافت موقعیتی بازتاب یافته در متن را بررسی می‌کند تا در بخش تحلیل گفتمان انتقادی و کشف نگرش نویسنده در دو سطح یادشده، کاربرد این عناصر بهتر تحلیل شود.

۶-۱. موقعیت تاریخی و بافت‌های خرد و کلان در رمان سووشون

رمان سووشون بر زمینه تاریخی پس از شهریور ۱۳۲۰، با گوشه‌چشمی به برخی از وقایع زمان رضاشاه و اشاره‌ای به یک واقعه تاریخی پیش از این دوره در جنگ جهانی دوم است (اربابی، ۱۳۷۸: ۱۷۱-۱۷۲)؛ البته این زمان‌ها را طبق شواهدی که دانشور ذکر می‌کند، می‌توانیم کشف کنیم. سووشون به‌گونه‌ای بیانگر حضور پررنگ و تأثیرگذار خارجی‌ها، به‌ویژه انگلیسی‌ها در دوره زمانی حساسی است که کانون آن را

می‌توان جنگ جهانی دوم دانست. داستان با عقدکنان دختر حاکم شروع می‌شود که در واقع بهانه‌ای برای آشنایی مخاطب با فضا و همچنین شخصیت‌های رمان است که بیش از نیمی از آنان را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند.

۱-۱-۶. حضور انگلیسی‌ها در شیراز

در همان صفحات آغازین رمان پیش از آشنایی با یوسف و زری، بلافاصله با سرجنت زینگر آشنا می‌شویم (سووشون، ۶). پس از آن مک ماهون خبرنگار جنگی، خانم حکیم انگلیسی شاعر ایرلندی، سه افسر اسکاتلندی با تنبان چین‌دار و جوراب ساق‌بلند زنانه، کلنل‌ها و افسران خارجی، سربازان هندی و... وارد دنیای سووشون می‌شوند (همان، ۶-۷).

استعمار انگلیس در شیراز منحصر به فرد بوده و در هیچ جای دیگر در ایران به این شکل وجود نداشته است (گلشیری، ۱۳۷۶: ۲۱۲). به همین دلیل است که زری در مراسم جشن خارجی‌ها از میان پنج بیرقی که در اطراف صفه تکان می‌خورد، تنها بیرق انگلیس را می‌شناسد (سووشون، ۳۷). اصولاً رابطه ایرانی‌ها با خارجی‌های ساکن در ایران یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های اجتماعی ایران در این سال‌ها بوده است. راوی سووشون به این موضوع به خوبی پرداخته و آن را در نحوه رفتار یوسف و زری و حتی خسرو و هرمز با انگلیسی‌ها، به‌ویژه سرجنت زینگر نمایانده است.

۲-۱-۶. جنگ جهانی و پیامدهای آن

راوی در سووشون تصویری هنرمندانه و در عین حال حقیقی از وضع شیراز و تحولات آن در سال‌های جنگ جهانی دوم ارائه کرده است. در فصل سوم رمان، برای روحیه دادن به سربازان جنگنده‌ای که برای مرخصی به شهر گل و بلبل آمده‌اند، جشنی ترتیب داده شده است. زری و یوسف هم به اصرار خان‌کاکا در این جشن شرکت کرده‌اند. در این مهمانی آشکارا از غول فاشیسم سخن گفته می‌شود. خانم حکیم از مهمان‌نوازی ایرانی‌ها تشکر می‌کند که «جنگ آن‌ها را بر ضد این شیطان یعنی هیتلر آسان کرده‌اند و گفت که هیتلر میکروبی است و سرطان است و باید این غده سرطانی را در بیاورند» (همان، ۳۷). در همین مهمانی مترسکی با سری مارشکل از چوب

می‌سازند و جای بدن و دست و پای آن را با نوار لاستیکی پر می‌کنند. شنلی روی دوش مترسک می‌اندازند و بعد با پمپ آن را باد می‌کنند. مترسک بزرگ‌تر می‌شود تا قسمت زیادی از صحنه را می‌گیرد، سپس با صدای افسرهای شلیطه به پا و بی‌شلیطه (نماد انگلیس) با علامت داس و چکش به بازو (نماد شوروی) به صحنه می‌ریزند و با تیر و کمان مترسک را می‌زنند. «صدایی پشت سر زری زمزمه کرد: هیتلره.» (همان، ۳۹). باد هیتلر که به کلی خالی می‌شود، جماعت هورا می‌کشند و دست می‌زنند (همان، ۴۰).

اگرچه ایران در جنگ جهانی دخالت مستقیم نداشت، از پیامدهای آن به هیچ وجه بی‌نصیب نبوده است. سربازان انگلیسی و هندی در شیراز اتراق کرده بودند و به قول خان‌کاکا بیش از اسلحه به آذوقه و بنزین احتیاج داشتند (همان، ۱۶). همین باعث قحطی در شهر می‌شود و مردم چنان دست‌تنگ می‌شوند که اگر نانی به دست می‌آورند آن را با دقت پنهان می‌کنند تا در راه کسی از آن‌ها نقایذ (همان، ۳۲). این مشکلات و بیماری‌های فراگیر مانند تیفوس، آشفستگی و اختلالات داخلی، و مشکلات ایل و مسئله یکجانشینی آنان را می‌توان به گونه‌ای از پیامدهای جنگ و حضور خارجی‌ها شمرد.

سووشون توصیف جامعه بیماری است که در «تب محرقه» می‌سوزد. اگر با زری همراه شویم و از حصار خانه و باغ و گل‌ها گامی آن سوتر نهیم، بیماری و تیفوس همه‌جا رخ می‌نماید. همه‌جا تیفوس است یا هراس از آن. مردها و زن‌ها را در تیفوس می‌بینی که تفلأ می‌کنند (همان، ۱۰۸). تمام مریض‌خانه پیر از بیمار است (همان، ۲۱۸) و روستاها را تیفوس گرفته است (همان، ۱۹۰). منطقه جغرافیایی ویژه توصیف‌شده در **سووشون** و دوره تاریخی خاص آن، مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی پیچیده و فضای اجتماعی بسیار مضطرب و آشوبناکی است. جنگ جهانی، حضور مؤثر و مداخله‌جویانه خارجی‌ها، مسائل یکجانشین‌کردن عشایر و درگیری حکومت‌های مرکزی با آنان، تضادهای نظام خانی- رعیتی، ستیز حکومت‌های مرکزی و منتقدان محلی، کشمکش‌های مذهبی و مسائلی از این دست نمونه‌هایی از وضع نابسامان این دوره تاریخی است. این آشوب‌ها همراه با ملک سهراب و ملک رستم وارد فضای **سووشون** می‌شود. یوسف آنان را به دلیل غارت‌ها و برادرکشی‌هایشان سرزنش می‌کند؛ اما از نظر ملک سهراب راهی دیگر برای آنان باقی نمانده است. ملک سهراب دلیل آن

را توطئه دشمنان خارجی و استعمار آنها می‌داند (همان، ۴۷). مواردی دیگر چون حمله بویراحمدی‌ها به پادگان سمیرم و دیگر آشفتگی‌های داخلی از جانب ملک سهراب و ملک رستم نیز در *سروشون* نشان داده شده است.

۳-۱-۶. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و *سروشون*

کودتای ۲۸ مرداد در ادبیات بازتابی گسترده داشت. نویسندگان و روشنفکرانی که همه امید و آرزوهایشان با شکست جبهه ملی بر باد رفته است، هر یک به نوعی در آثار خود به این موضوع اشاره کرده‌اند. اخلاق و رفتار قهرمان *سروشون* و ایستادگی او در مقابل نیروهای بیگانه در ایران، یادآور مصدق و نقش او در ملی‌کردن صنعت نفت است. دانشور در *سروشون* به گونه‌ای رمزی به کودتای ۲۸ مرداد و شکست مصدق اشاره کرده است. او تأکید می‌کند: «من در *سروشون* مرگ یوسف را در بیست و نهم مرداد ذکر کردم، درحالی‌که مقصودم ۲۸ مرداد، سقوط مصدق بوده... این را فقط جلال فهمید و گفت که عوضش کن.» (گلشیری، ۱۳۷۶: ۱۷۱).

۴-۱-۶. بحران نان در این دوره و بازتاب آن در *سروشون*

بحران نان از چند سال پیش از آغاز مشروطیت عرصه زندگی را بر مردم تنگ کرده بود. با آغاز جنگ جهانی اول، تأثیر ویران‌کننده آن بر اقتصاد ایران بیشتر شد. این تأثیرات چنان بود که ایران تا سال ۱۹۲۵م به سطح تولید کشاورزی پیش از جنگ نرسید (کریمی، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

با آغاز جنگ جهانی دوم در سپتامبر ۱۹۳۹، سرزمین ایران به صورت حلقه ارتباطی مهم و حیاتی بین انگلیس و شوروی درآمد. در این دوره، ایران با مشکلات فزاینده‌ای در اقتصاد روبه‌رو بود. در این سال‌ها، گندم و جو به میزان ۲۵ درصد کاهش یافت. این تحولات اقتصادی تأثیر مخربی بر جمعیت شهرهای بزرگ برجای گذاشت. تورم افزایش یافت و کالاهای اساسی در بازار رسمی کم شد. گندم از کالاهای اساسی بود که به دلیل شرایط ویژه جنگ دستخوش کمبود و گرانی شد. ورود نیروهای بیگانه به ایران و احتیاج شدید به غله، احتکار سیاست‌های اقتصادی رضاشاه در اواخر حکومت

و برداشت کم محصول در سال‌های پیش از جنگ، کشور را به سمت بحران ارزاق سوق داد و تأمین نان را به مهم‌ترین مسئله کشور بدل کرد (آبراهیمیان، ۱۳۷۹: ۲۰۷-۲۰۹). در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ بحران نان در ایران شدیدتر شد. در شیراز این وضع از دیگر شهرها بدتر بود. نصف اهالی شیراز به مدت چند روز نان نداشتند و طبق آمار کشت محصول در مقایسه با سال گذشته ۴۰ درصد کاهش یافت (کریمی، ۱۳۸۳: ۱۵۵). گزارش‌ها حاکی است که در این سال‌ها انگلیسی‌ها در شیراز محموله‌های غله را با زور و فشار بر مردم توقیف می‌کردند. این کار انگلیسی‌ها یکی از عوامل اصلی قحطی نان در جنوب بود.

در داستان سووشون شواهد فراوانی از بحران نان در این دوره بازتاب یافته و نویسنده با انتقاد از دستگاه حکومتی و استعمارگران، اوضاع قحطی نان را در شیراز بیان کرده است. بحران نان در چند موقعیت از جمله در داستان عقدکنان دختر حاکم و اشاره به نانی که نانوائی‌ها برای جشن عروسی دختر حاکم پخته‌اند، این‌گونه وصف شده است: «خانم زهرا و یوسف هم نان را از نزدیک دیدند. یوسف تا چشمش به نان افتاد، گفت: ... چه نعمتی حرام شده و آن هم در چه موقعی در موقعی که با همین نان می‌شد چند خانوار را سیر کرد...». (سووشون، ۵). در فصل سوم داستان که زری می‌خواهد طبق‌های نان را برای مریض‌خانه و دیوانه‌خانه ببرد، دو طبق‌کش کرایه می‌کند. طبق‌کش‌ها در قبال این کار پول نمی‌گیرند و نان می‌خواهند. این هم یکی دیگر از دلایل توجه راوی به بحران نان در آن زمان است (همان، ۳۱-۳۲).

۲-۶. توصیف بافت موقعیت محیطی در سووشون

داستان سووشون در منطقه جغرافیایی فارس است و بیشتر حوادث داستان در شیراز اتفاق افتاده است. دانشور در این داستان فضای شیراز را چنان ملموس جلوه می‌دهد که خواننده احساس می‌کند شهر را از نزدیک می‌بیند.

از ویژگی‌های این داستان از لحاظ بافت موقعیت، توجه به همه موقعیت‌ها در داستان است. در داستان به مکان‌های مقدس شیراز اشاره شده است؛ از جمله باباکوهی (همان، ۱۴۸ و ۲۶۷)، بنای هفت‌تنان (همان، ۲۴۵)، شاه‌چراغ (همان، ۲۹۱ و ۲۹۹)، درخت

اسطوره‌ای گیسو که به روایت *سروشون* میعادگاه سوگواران سیاوش است و در تمام گرمسیر معروف است (همان، ۲۷۰ و ۲۷۴)، و کوه مرتاض علی که مرتاض علی نام چاهی مقدس میان شیرازی‌هاست (همان، ۲۵۴). افزون بر این‌ها، در *سروشون* به دیگر مکان‌های مذهبی و مقدس توجه شده است؛ مانند مزار حاجی سید غریب، خانقاه‌ها که در شیراز فراوان بوده است، و گورستان جوان‌آباد که جنبه نمادین داشته و گورستان جوانان کشته‌شده در راه آزادی بوده است.

این مکان‌ها در رمان از لحاظ نقش مذهبی و عرفانی که یکی از ویژگی‌های آثار دانشور است و از نظر تحلیل گفتمان انتقادی، هم‌آیی و هم‌نشینی خاصی را ایجاد می‌کند. توجه به بناهای تاریخی چون دروازه قرآن (همان، ۲۵۱)، حافظیه (همان، ۲۸۷)، ارگ کریم‌خانی (همان، ۱۶۳)، آب‌انبار وکیل (همان، ۳۱) و توجه به باغ‌ها و تفریحگاه‌های شیراز از جمله باغ تخت (همان، ۱۰۵)، باغ رشک بهشت (همان، ۷۲-۷۳)، باغ مسجد وردی (همان، ۱۹۱)، باغ خلیلی (همان، ۹)، مزارع صیفی‌کاری و تریاک‌کارها (همان، ۳۳، ۷۸ و ۲۶۹) همه از دلایل توجه دانشور به موقعیت تاریخی و جغرافیایی اثر و تناسب آن با محتوای داستان است.

۳-۶. موقعیت جامعه‌شناسی و بازتاب مسائل سیاسی و اجتماعی در *سروشون*

سروشون بازتاب جامعه ایرانی در جنگ جهانی دوم است. روایتی است از جامعه‌ای که در آن استعمار بر همه جنبه‌ها دست یافته و مردم را به جان هم انداخته است. نویسنده در این رمان اوضاع اجتماعی جامعه خود را آشکارا بیان کرده است.

داستان به وقایع اجتماعی پس از شهریور بیست اشاره دارد. در این دوره گرایش‌هایی مختلف در ایران به چشم می‌خورد. پیش از شروع جنگ، شعارهای هیتلر درباره برتری نژاد آریایی با تبلیغات ملی‌گرایانه رضاخان همسو بود. متفقین در همین سال‌ها وارد ایران شدند. حزب بلشویکی نیز در این دوره با اندیشه جهانی خود در ایران که از لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برایش مفید بود، نفوذ بیشتر داشت. در *سروشون* این جریان‌ها وجود دارد و دانشور با توجه اصلی خود به حضور بیگانگان در

ایران آن دوره، جامعه را وصف می‌کند. جامعه توصیف‌شده در سووشون متحول و ناآرام است؛ جامعه‌ای که پیوسته با دغدغه‌های تحول و حرکت همراه است و روی دیگرگون‌شدن دارد. این ناآرامی و چاره‌جویی از همان آغاز رمان توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. در سرپای روایت تناقض و کشمکش‌های اجتماعی رخ می‌نماید. پیوسته با دوراهی‌های بنیادین جامعه معاصر ایران روبه‌رو می‌شویم و همواره این پرسش که از ژرفای نهاد اجتماعی برمی‌خیزد، به ذهن می‌رسد: چه باید کرد؟ به عبارتی دیگر، سووشون ما را با لحظه‌های حساس درگیر می‌کند که جامعه ایران در صلاح کار فرومانده است. جامعه‌ای که در سووشون وصف می‌شود، نادلخواه است؛ جامعه‌ای که استعمار شعر مردمانش را کشته و پهلوانانش را اخته کرده است؛ جامعه‌ای خالی از قهرمان؛ جامعه‌ای که همه جایش محله مردستان شده است (سووشون، ۱۸).

بیشترین موضوع از نظر جامعه‌شناختی در این رمان، ظلم و ستم بر جامعه زنان است. در این اثر تمام شخصیت‌های زن، حتی زری که زنی تحصیل‌کرده و از خانواده‌ای مرفه است، در ترس و خانه‌نشینی و خرافات گرفتارند.

۷. تحلیل گفتمان انتقادی سووشون

در این بخش از مقاله، رمان سووشون با توجه به الگوی تحلیل نورمن فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی و تحلیل می‌شود. نخست تمام رمان مورد توجه قرار می‌گیرد تا جهان‌بینی نویسنده مشخص شود و در ادامه تحول جنسیت در سووشون با پرداختن به شخصیت‌های داستان و وضع زنان پی‌گرفته می‌شود.

۷-۱. سووشون در سطح توصیف

مقصود از توصیف در این مرحله، شناخت متن در چارچوب بافت متن و و ربط منطقی بین کلمات و همنشینی و هم‌آیی کلمات و واژگان است. در بررسی تحلیل گفتمان انتقادی رمان سووشون در سطح توصیف، بیشتر به این موارد توجه می‌شود: انتخاب نوع واژگان، شخصیت‌ها، مکان‌ها و همنشینی و هم‌آیی، تضاد معنایی، کاربرد

ضمایر ما و شما، و جنبه‌های استعاری که نگاه ایدئولوژیک نویسنده را بیشتر بیان می‌کند. این موارد در چند مورد و با انتخاب نمونه‌هایی از واژگان به‌عنوان شاخص برای متغیرهای یادشده در سؤالاتی که فرکلاف در سطح توصیف مطرح می‌کند، بررسی می‌شود:

۱-۱-۷. قحطی، یوسف، گندم، نان، مردم قحطی‌زده، استعمار

داستان *سووشون* با جشن عروسی دختر حاکم آغاز می‌شود. گذشته از جنبه ادبی و هنری دانشور در توصیف ادبی داستان، انتخاب واژگان متناسب هم در این بخش از داستان بسیار منطبق بر هم است. از همان آغاز داستان با شخصیت یوسف آشنا می‌شویم. بدون توجه به جنبه نمادین و استعاری یوسف در این رمان و پیوند شخصیت او با سیاوش و کشتن بی‌گناه او در پایان داستان، و جنبه نمادین یوسف و ارتباطش با امام حسین (ع) در طول دوران‌های ظلم‌ستیز، نام او یادآور نام یوسف پیامبر، نماد صداقت و پاکی، است که در زمان قحطی با ذخیره کردن گندم مردم را از قحطی نجات می‌دهد.

انتخاب نام و شخصیت یوسف در مقام منجی در زمان قحطی ناشی از هجوم استعمار و توصیف کمبود گندم و هم‌زمان توجه به نانی که نانوائی‌ها برای جشن دختر حاکم پخته‌اند و در مقابل، مردم قحطی‌زده که نان را زیر لباس‌هایشان پنهان می‌کنند، همنشینی و هم‌آیی خاص ایجاد کرده است و نگاه ایدئولوژیک نویسنده را بیان می‌کند. این کاربرد واژگان خاص شمول معنایی (معنای یک کلمه در بطن معنای کلمه‌ای دیگر جای می‌گیرد) و تضاد معنایی (معنای یک کلمه با معنای کلمه دیگر ناسازگار است). خاصی ایجاد کرده است. برای نمونه توجه به «قحطی، فقر، پنهان کردن نان زیر پیراهن در مقابل یوسف با جنبه استعاری یوسف پیامبر و نجات‌دهنده از قحطی، آذوقه پنخش کردن بین روستایی‌ها، نان بردن زری به مریض‌خانه‌ها» (سووشون، ۵-۶) از مواردی است که جنبه ایدئولوژیک نگرش نویسنده را در سطح توصیف نسبت به اوضاع اجتماعی نمایان می‌کند. در ادامه همین جملات آمده است که نانوائی‌ها روی نان با خشخاش نوشته بودند: «تقدیمی صنف ناناو به حکمران عدالت گستر.» (همان‌جا).

واژه عدالت‌گستر از زبان نانوایان از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی از لحاظ استفاده از واژگان و نوع اسم‌سازی نقش مهمی دارد. اینکه هر صنفی از طبقه خود و گفتمان خود چگونه یاد می‌کند و حمایت می‌کند؛ یعنی یوسف، نماینده خودی، در مقابل غیر (حاکم و زیردستانش) از برخی واژگان خاص استفاده می‌کند و در مقابل، نانوایی‌ها از واژگانی دیگر. برای نمونه یوسف با نام «میرغضب» و در وصف نان با عنوان «نعمتی که حرام شده است» یاد می‌کند. زری که هر شب به دیوانه‌خانه و مریض‌خانه سر می‌زند و از وضع شهر آگاه است، هم‌اکنون در جشن حضور دارد و نان را می‌بیند و با تعجب می‌گوید:

در چه تنوری آن را پخته‌اند؟ چه قدر آرد خالص مصرف کرده‌اند؟ و آن هم به قول یوسف در چه موقعی در موقعی که با همین یک نان می‌توان یک خانوار را یک شب سیر کرد. در موقعی که نان خریدن از نانوایی‌ها کار رستم دستان بود. قشون اجنبی در این قحطی نقش اساسی دارند که یادآور کاهنان و انبارهای گنج و ذخیره‌هایشان است: آذوقه شهر را از گندم تا پیاز قشون اجنبی خریده بود (همان، ۶). زری برای دیوانه‌خانه‌ها نان و خرما می‌برد. طبق‌کش‌هایی که زری کرایه کرده است تا نان‌ها را ببرند، برای کرایه به جای پول نان می‌گیرند (همان، ۳۱-۳۲).

۲-۱-۷. استعمار، غیر، دیگری، دشمن خارجی، دشمن داخلی و انسان‌های خودفروخته از دیگر جنبه‌های جهان‌بینی و نگرش نویسنده که در این رمان از لحاظ کاربرد در سطح واژگان، روابط هم‌نشینی و هم‌آیی کلمات، اسم‌سازی، فرایندهای دستوری و مشارکین نمود بیشتری دارد، توجه به دشمن خارجی و داخلی است که به‌عنوان تضادی معنایی در این رمان برجسته است.

ورود استعمارگران به ایران و ظلم و ستم بر مردم و غارت اموال آن‌ها در مقابل خودفروختگان وطن‌فروشی که همه همتشان خدمت به بیگانگان است، در رمان بسیار مورد توجه است. این بن‌مایه در دیگر داستان‌های نویسنده، از جمله داستان‌های کوتاه (برای نمونه عید ایرانی‌ها) و رمان‌هایش (جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان) فراوان به‌کار رفته است. بیگانگان در رمان به دو گروه دشمن خارجی و دشمن داخلی تقسیم

شده است. نویسنده در مقابل این دو دسته دشمن، انسان‌های میهن‌دوست و مردم‌شناسی را قرار داده است که نماد ایرانی و اصالت ایران هستند. این انتخاب، نگاه ایدئولوژیک نویسنده را به هویت ایرانی و ملی نشان می‌دهد که یکی از درون‌مایه‌های این رمان است. دشمنان داخلی افرادی مانند حاکم شهر، خان‌کاکا و هیئت حاکم است. کاربرد این گروه‌ها با هم در داستان، تضاد و اختلاف دو طبقه را نشان می‌دهد. استعمار سعی می‌کند آذوقه مردم را - آن هم در زمان رنج و سختی - برای افرادش بخرد و مصرف کند. داخل کشور هم افرادی هستند که تسلیم استعمار شده‌اند و این کار را - جمع کردن آذوقه برای قشون خارجی - پسندیده می‌دانند و معتقدند اگر با آنان همکاری نکنند، به‌زور می‌ستانند. نمونه این افراد خان‌کاکا برادر یوسف است. او نماینده افرادی است که برای ریاست حاضرند هر کاری بکنند، حتی ایستادن در روی برادر خود و وطن‌فروشی را عیب نمی‌شمارند:

عمه‌خانم چای ریخت و جلوش گذاشت و پرسید: «خوب چه خبرها بود؟» زری گفت: جای شما سبز اما باز میان دو دولت نزاع افتاد. عمه گفت: خان‌کاکای خودم را می‌شناسم و یوسف را هم می‌شناسم. ابوالقاسم خان صاف نیست. از وقتی که به فکر وکالت افتاده هم ناصف‌تر شده (سوشون، ۲۱-۲۲).

در گفت‌وگوی بین عمه خانم و زری انتخاب واژه دو دولت خود شاهدهی است بر این ادعا که چگونه دانشور افراد را به دو دسته تقسیم کرده و هر فرد را نماینده یک طبقه قرار داده است.

خان‌کاکا آهسته گفت: داداش بیخود لج می‌کنی. هر چه باشد این‌ها مهمان ما هستند. همیشه که اینجا نمی‌مانند. اگر هم ندهیم خودشان به‌زور می‌ستانند. از قفل یا مهر و موم انبارهای تو که نمی‌ترسند... من هر چه در انبارها بود فروختم ... هر چه باشد صاحب اختیار آن‌ها هستند (همان، ۱۶).

در برابر سخنان خان‌کاکا:

یوسف گفت: مهمان ناخوانده‌بودنشان که تازگی ندارد خان‌کاکا ... از همه بدتر احساس حقارتی است که دامنگیر همه‌تان شده است... همه‌تان را در یک چشم به هم زدن کردند دلال و پادو و دیلماج خودشان. بگذارید لااقل توی دلشان بگویند: خوب آخرش یک مرد هم دیدیم (همان‌جا).

گفت‌وگو در این بخش از رمان در کشف جهان‌بینی نویسنده از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی خیلی مهم است. یکی از سؤالاتی که فرکلاف در سطح توصیف مطرح می‌کند، این است که در متن از چه ضمایی استفاده شده است. همچنان‌که یادآور شدیم، یوسف نماد ایرانی و قهرمان رمان است. او از رعیت با کاربرد واژه‌های «مرا»، «رعیت من» و «همشهری من» استفاده می‌کند و با این انتخاب رعیت را از جنس خود می‌داند: «یوسف به تلخی گفت: اما رعیت مرا می‌شود... همشهری‌های مرا می‌شود گرسنه نگه داشت.» (همان‌جا).

خان‌کاکا به یوسف رو آورد و گفت: جانم، عزیزم تو جوانی و نمی‌فهمی. با این کله‌شقی با جان خودت بازی می‌کنی و برای همه‌مان دردسر درست می‌کنی. آخه آن‌ها هم باید قشون به این بزرگی را نان بدهند. خودت که می‌دانی نمی‌شود قشون به این بزرگی را گرسنه نگه داشت... یوسف به تلخی گفت: اما رعیت مرا می‌شود... همشهری‌های مرا می‌شود گرسنه نگه داشت... (همان‌جا).

یا در فصل چهارم یوسف می‌گوید:

خودتان هم وضع فعلی را ترجیح می‌دهید. اگر خود شما کمک می‌کردید شاید کار اسکان به جایی می‌رسید؛ اما شما عزیزم عادت کرده‌اید به دوشیدن رعیت‌هایتان. برای شما افرادتان آدم نیستند، با گوسفند‌هایتان فرقی ندارند، هر دو را چکی می‌فروشید (همان، ۴۷).

در مقابل، خان‌کاکا از رعیت به گونه‌ای یاد می‌کند که احساس بیگانگی بین خود و رعیت را به یاد می‌آورد:

خان‌کاکا گفت: جانم رعیت باید از ارباب بترسد. مثل فیلبان باید بالا سر رعیت بود. باید رعیت را به چوب فلک بست. از قدیم و ندیم گفته‌اند: رعیت را باید همیشه دست به دهن گذاشت. نه از شتوی خبر دارد و نه از صیفی، فقط چشمش به آسمان است (همان، ۲۳).

ابوالقاسم خان در سه تا از جام‌ها شراب ریخت و به هرمز داد و... رو به هرمز گفت:... امیدوارم تو مثل عمویت نشوی که از غصه مردم و مملکت، زندگی را به خودش و اطرافیانش حرام کرده است (همان، ۱۲۳).

بیشترین نقش را در مبارزه، خانواده یوسف دارند. هم‌زمان که عزت‌الدوله زیر بغل عروس را گرفته بود و هر حاکمی که به شهر می‌آمد او مشیر و مشار خانواده‌اش بود (همان، ۸) و رفتاری این‌گونه دارد:

در عروسی عزت‌الدوله در کیف را گشود و یک کیسه پر از نقل و سکه سفید درآورد و روی سر عروس ریخت و برای اینکه افسرهای خارجی خم نشوند، به دست خودش یکی یکی سکه طلا کف دست یک‌یک آن‌ها و خانم حکیم گذاشت (همان، ۸-۹).

زری در مقابل، این نگاه را به قشون خارجی دارد: «زری اندیشید: همه جمع‌اند، مرهب، شمر، یزید و فرنگی و زینب زیادی و هند جگرخواره و عایشه و این آخری هم فضا...» (همان، ۹). او وضع شهر را بر اثر هجوم بیگانه این‌گونه وصف می‌کند: «زری اندوهگین گفت: با حاکم که نمی‌شود، با سرجنت زینگر هم که نمی‌شود. هر دوشان برادرخوانده هم‌دیگرند. شهر شده محله مردستان.» (همان، ۶۳).

۳-۱-۷. وطن، ایران، هویت، مذهب

در داستان *سوشون* خانه نماد جامعه آن روز ایران است و یوسف حاکم و یا نماینده روشنفکران کشور است. زری هم نمونه زن این کشور است و خسرو و هرمز فرزندان این میهن‌اند. ابوالقاسم خان برادر بزرگ‌تر یوسف و نماینده خودفروختگان به بیگانه (به‌ویژه انگلستان) و مستر زینگر هم نماینده بیگانگان یا انگلیسی‌های اشغالگر است. دانشور در این اثر با به‌کارگیری برخی اصطلاحات، توجه به فرهنگ عامه مردم، اسطوره‌ها، شخصیت‌های اساطیری و محلی ایران، شخصیت‌های مذهبی و مکان‌های تاریخی به‌گونه‌ای سعی در همراه‌کردن و هم‌آبی هویت در رمان را دارد. این ویژگی در داستان از چند جنبه نمایان است:

الف) لغات و اصطلاحات عامیانه شیرازی

توجه به لغات و اصطلاحات عامیانه شیرازی که متناسب با فضای شکل‌گیری رمان و منطقه فارس و پاسداری از فرهنگ بومی است، نشان‌دهنده اصالت و قدمت فرهنگ

این سرزمین است. قهرمانان آثار سیمین دانشور که لهجه شیرازی را برای گفت‌وگو برگزیده‌اند، از فرهنگ غنی برخوردارند و به پیشینه وطن و لهجه مادری خود آگاهی کافی و شایسته دارند. آنان در برخورد با دیگر فرهنگ‌ها و گویش‌ها به ارزش‌های فرهنگی خود متکی هستند، متزلزل نمی‌شوند و اصالت خود را حفظ می‌کنند. نحوه صحبت کردن عمه خانم و زری با یکدیگر نمودار اصالت آنان است. نویسنده با به‌کارگیری اصطلاحات و کلمات اصیل این ناحیه، قهرمانانی می‌آفریند که به دلیل آشنایی کافی با لهجه شیرازی و فرهنگ بومی‌شان، دارای وقار و سنگینی خاص هستند.

ب) آیین اساطیری و ایرانی در داستان

بازگشت به آیین اساطیری و ایرانی در داستان، نمود دیگری از همنشینی و هم‌آیی واژگان در این سطح است که ایرانی و هویت ایرانی را در مقابل دیگری برجسته می‌کند. این ویژگی در اثر از طریق اسم‌سازی و همنشینی واژگان (از جمله انتخاب نام سووشون برای رمان که رسم عزاداری سیاوش است، توجه به شخصیت‌های اساطیری چون رستم و سهراب و سیاوش، توجه به مراسم سووشون)، جنبه‌های استعاری شخصیت یوسف، تضاد واژگان با انتخاب ایرانی و غیر (استعمار) برجسته شده است و نگاه ایدئولوژیک نویسنده را می‌رساند. در سووشون همه این موارد به کار رفته و بر جنبه ملی و ایرانی داستان افزوده است. از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی انتخاب این شخصیت‌ها در داستان، ذهن خواننده آشنا و ایرانی را برای دفاع از هویت خود و نیز نگرش نویسنده آگاه می‌کند.

ج) سنت‌های مذهبی و اهمیت آن‌ها در اثر

توجه به سنت‌های مذهبی و مهم شمردن آن‌ها در سراسر رمان آشکار است؛ از جمله توجه به مکان‌هایی مقدس چون باباکوهی، هفت‌تنان، شاه‌چراغ و کوه مرتاض‌علی، توجه به شخصیت‌های پیامبران و ائمه شیعه و اهمیت شهادت و کاربرد آن، نمونه‌ای دیگر از این انتخاب واژگانی است. وقتی جنازه یوسف را به خانه می‌آورند، خان‌کاکا می‌گوید «بنویسید به مناسبت درگذشت...»؛ اما عمه‌خانم می‌گوید «بنویسید به مناسبت

شهادت...». ملک رستم هم مانند عمه‌خانم عقیده دارد باید بنویسند شهادت نه درگذشت. بدین ترتیب رمان پس از مرگ یوسف به اثری در تجلیل از شهادت تبدیل می‌شود. زری در روز تشییع جنازه یوسف از سخنان عمه‌خانم که درباره انتقام و زنده نگه داشتن یاد یوسف است، به یاد حضرت زینب (س) می‌افتد. مادر یوسف به کربلا می‌رود تا مجاور حرم امام حسین (ع) شود (سووشون، ۳۰۴). اشاره به واقعه کربلا بر بعد حماسی اثر می‌افزاید. خوانندگان فارسی‌زبان که با روح واقعی قیام امام حسین (ع) و نهضت عاشورایی آشنایند، هنگام خواندن رمان بین این دو واقعه و شخصیت‌ها و مضمون شهادت و شهادت امام حسین (ع) و مرگ سیاوش ارتباط برقرار می‌کنند و از پیام رمزی رمان متأثر می‌شوند؛ پیام رمزی رمان، دعوت به قیام علیه ظالم حتی به‌بهای از دست دادن جان و شکست ظاهری است.

۲-۷. سووشون در سطح تفسیر

گفتمان‌ها و متون آن‌ها دارای تاریخ‌اند و به مجموعه‌های تاریخی وابسته‌اند. در تفسیر، بافت بینامتنی به این بستگی دارد که متن را به کدام مجموعه متعلق بدانیم و در نتیجه چه چیزی را میان مشارکین زمینه مشترک و مفروض بخوانیم. پذیرش بافت بینامتنی مستلزم این است که به گفتمان‌ها و متون از دریچه چشم‌انداز تاریخی نگریسته شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۳۰ و ۲۳۵). برای شناخت نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، تنها پرداختن به صورت متن کافی نیست؛ زیرا ارزش ویژگی‌های متنی تنها با واقع شدن در تعامل اجتماعی است که جنبه‌ای واقعی می‌یابد و از نظر اجتماعی عملی می‌شود. در این مرحله است که متون بر اساس پیش‌فرض‌هایی مبتنی بر عقل سلیم (بخشی از دانش‌زمینه‌ای) که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهند، تولید و تفسیر می‌شوند. در این بخش، زمینه مشترک بافت بینامتنی دخیل در شکل‌گیری متن و عنصر مشترک آن با گفتمان جاری در رمان بررسی می‌شود. در سطح تفسیر، با بازگشت به گذشته و پیش‌زمینه‌ای که در بن‌مایه‌های متن مورد استفاده قرار گرفته و در بخش توصیف اثر به آن‌ها اشاره شده است، رمان تحلیل می‌شود.

۱-۲-۷. بافت بینامتنی و پیش‌فرض‌ها در سووشون (اسطوره سیاوش و پیوند آن با نهضت امام حسین (ع) و شهادت)

دانشور برای غنی کردن و پروراندن رمان سووشون از اسطوره سیاوش الهام و تأثیر پذیرفته است. در پایان رمان نیز اشاره صریح به واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و پیوند آن با سوگ سیاوش و کشتن سیاوش در غربت، جنبه رمزی ایستادگی و قیام در برابر ظالم را می‌رساند. برای کشف جهان‌بینی و تلفیق اسطوره سیاوش و قیام امام حسین (ع) و پیوند با عناصر اجتماعی، به بررسی پیشینه این ارتباطها پرداخته می‌شود. شباهت‌های زیادی بین منشأ عزاداری امام حسین (ع) و اسطوره سوگ سیاوش است. سیاوش شاهزاده‌ای ایرانی و از خاندانی شریف و با اصل و نسب است که بر اثر توطئه‌ای شوم به اجبار دیار خود «ایران زمین» را ترک می‌کند و راهی سرزمین بیگانه، توران زمین می‌شود. در آنجا غریبانه و مظلومانه با تعدادی اندک از یارانش در برابر گروه عظیم دشمن کشته می‌شود و سرش از بدن جدا، و جسم او بی‌تابوت و گور و کفن در بیابان رها می‌شود. در حادثه عاشورا و شهادت امام حسین (ع)، براساس مستندات تاریخی امام حسین (ع) دیار خود، مدینه، و همجواری با حرم مطهر جدش پیامبر (ص) و قبیله و خاندان خویش را ترک می‌کند و با تعدادی اندک از یاران به سوی دیار غربت رهسپار می‌شود.

چنان‌که یاران امام حسین (ع) اندک بودند و در برابر لشکر عظیم سپاه یزید قرار گرفتند، سیاوش نیز با تعدادی اندک از یارانش با سپاه فراوان دشمن کارزار کرد. کشته شدن جملگی یاران باوفا در حماسه کربلا و سوگ سیاوش تکرار شده است. امام حسین (ع) در کربلا اسبی به نام ذوالجناح دارد که بر اساس برخی روایات و آنچه در تعزیه‌ها آمده است، وی و خاندانش با آن اسب گفت‌وگو و درد دل کرده‌اند. سیاوش نیز اسب سیاه‌رنگی به نام شبرنگ دارد که در روایت فردوسی به گفت‌وگوی سیاوش با مرکب هنگام وداع اشاره شده است (فردوسی، ۱۳۸۵: ۲۸۸). در حماسه سوگ سیاوش مواردی هست که حکایت از آگاهی قبلی سیاوش از کشته شدن دارد (همان، ۲۸۷). در روایات تاریخی و تعزیه‌ها هم نقل شده که امام حسین (ع) از سرنوشت خویش آگاه است. پوشیدن پیراهن سیاه، رخ تراشیدن، گیسو بریدن، مویه و شیون کردن، جامه

دریدن از کارهایی است که در عزاداری امام حسین (ع) و سوگ سیاوش انجام می‌دادند.

۲-۲-۷. بافت بینامتنی و بافت موقعیت در *سوشون* (پیوند بین شخصیت یوسف و رفتار و اعمالش با شخصیت امام حسین (ع) و سیاوش)

در رمان *سوشون* یوسف - قهرمان اصلی داستان- از همکاری با نیروهای بیگانه دوری می‌کند و جان خود را بر سر مجاهدت‌هایش می‌بازد و مظلومانه به تیر غیب کشته می‌شود. نویسنده در تمام زندگی یوسف به حوادث و اتفاقات زندگی سیاوش و امام حسین (ع) نظر داشته است. یوسف همانند سیاوش و امام حسین (ع) انسانی نژاده و اصیل است که در دفاع از سرزمین خود مقابل بیگانگان ایستاده است. سفرهای او به دهات و رسیدگی به کاروبار رعیت و یاری کردن آنان تاحدودی غربت و دوری از خانه را تداعی می‌کند. مانند دو شخصیت ذکرشده یاران یوسف در شهر و در مقابل بیگانگان و افراد خودفروخته اندک است. او در مقابل استعمار و دشمن داخلی و خارجی ایستاده است. در زندگی امام حسین (ع) و سیاوش گفته شد که آن‌ها اسب داشتند، در این رمان یوسف نیز در خانه‌اش اسب پرورش می‌دهد. پرورش اسب این هماهنگی را بیشتر می‌کند.

در حماسه سیاوش و امام حسین (ع) هر دو شخصیت از کشته‌شدن خود پیشاپیش آگاهی دارند. در رمان *سوشون* یوسف هم وقتی بالای سر پسرش می‌رود به‌گونه‌ای پیشگویانه می‌گوید: «پسرم اگر من نتوانستم تو خواهی توانست.» (سوشون، ۱۷). خواب‌های زری در فصل بیستم داستان درباره مرگ یوسف، نوعی پیشگویی است. همچنانکه سیاوش را افراسیاب دیوصفت و همراهانش می‌کشند، یوسف را نیز دیو استعمار و بیگانگان می‌کشند (سوشون، ۲۳۸-۲۴۰).

در *سوشون* اشاره‌هایی چه به‌صورت واقعی و چه به‌صورت رمزی وجود دارد مبنی بر اینکه فرزند یوسف انتقام او را می‌گیرد. در داستان سیاوش نیز کیخسرو انتقام خون پدرش را می‌گیرد. فرزند یوسف خسرو نام دارد که به‌یقین نویسنده این نام را آگاهانه انتخاب کرده است و خود یوسف هم به فرزندش می‌گوید: «اگر من نتوانستم،

تو خواهی توانست». علاوه بر این، سووشون و سوگ سیاوش در پایان و در عزاداری یوسف از زبان عمه‌خانم، و عزاداری امام حسین (ع) و شهدای کربلا از دیگر نشانه‌های این پیوند است.

۳-۲-۷. جنسیت در سووشون و تحول در شخصیت زن از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی
از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی در رمان سووشون، دانشور نه تنها هویت زن را نسبت به مرد مطرح می‌کند؛ بلکه برمبنای نگرش خود نسبت به موقعیت زن، به انسان نیز از دیدگاهی متفاوت و انقلابی می‌نگرد و شخصیت زن را نسبت به آنچه در نگرش جامعه مردسالار است، دیگرگون می‌کند.

در ادبیات کلاسیک فارسی انسان هویت فردی ندارد؛ شخصیت شعر و داستان، نماینده صنفی از انسان، رویکردی اخلاقی و مقام اجتماعی خاص و نه فردی معین است. او زن یا مرد، شاهزاده یا سپاهی و ادیب یا دهقانی است که با رویکرد معین اخلاقی که از ذات او مایه می‌گیرد، با امور برخورد می‌کند. در ادبیات معاصر فارسی این شخصیت عوض می‌شود و به موازات تحول در زندگی و نگرش به چند و چون زندگی اجتماعی، شخصیت داستانی نیز وارد داستان می‌شود و همه خصوصیاتش به تصویر در می‌آید.

پیشینه نگرش درباره زن در ادبیات از لحاظ تاریخی و بینامتنی این‌گونه است که تا زمان نوشته شدن رمان سووشون، انسان هویتی نوعی دارد و فردی است که برابر با ذات انسانی و وجود اجتماعی زندگی می‌کند. روزمرگی، هوا و هوس، آرمان و آرزو در زندگی او جایی ندارد؛ از این‌رو، سرنوشت یا وضع موجود یا وضع جهان را نیز به چالش نمی‌کشد و سربزه‌زیر در حاشیه امور به زندگی ادامه می‌دهد. راوی بوف کور چنین شخصیتی است. درگیری او با امور زندگی کمتر از آن است که در متن آن، فردیت او، دیدگاه‌ها، افکار و آرزوهایش به چشم آید. شخصیت او تک‌بعدی است و در عشقی خلاصه می‌شود که هیچ‌گاه عرصه بروز و امکان فعلیت پیدا نمی‌کند. گذشته از راوی بوف کور، مدیر مدرسه آل احمد و شازده احتجاج گلشیری نیز فاقد فردیتِ تکامل‌یافته هستند.

سوشون این سنت و ساختار را می‌شکند. شخصیت اصلی آن، زری، اولین شخصیت داستانی ایران است که هویت فردی خاص خود را دارد. در مجموع فردیت زری در دو زمینه آشکار می‌شود: در زمینه اول او بسان فردی سرشار از احساسات و امیال و آرزوها ظاهر می‌شود و تمام زندگی او به تصویر درمی‌آید. در زمینه دوم انسانی است که هویت از پیش داده شده‌ای ندارد و در گذر عمر و در طول حوادث تحول پیدا می‌کند. این شخصیت در پایان داستان دیگر همان کسی نیست که در آغاز بوده است.

زری در آغاز رمان زنی است، سخت سنتی و گرفتار همه ناتوانی‌ها و انفعال‌هایی که گریبانگیر زن در جامعه ایرانی است. این انفعال در دو صحنه در رفتار زری مشاهده می‌شود: یکی در عروسی که گواشواره‌های شب عروسی‌اش را بدون هیچ مخالفتی به عروس می‌دهد (سوشون، ۸) و دیگر زمانی است که فرستاده حاکم برای اسب می‌آید و زری در دل می‌اندیشد که جلویشان بایستد، ولی در عمل این‌گونه نیست و می‌گوید: «غلام برو سحر را از طویله در آر.» (همان، ۸۳). در بیشتر بخش‌های اول داستان، زری چنین شخصیتی است تا جایی که شوهرش او را سرزنش می‌کند که چرا این‌قدر ترسوست و جرئت ندارد. نویسنده از این مرحله به بعد، این ترس و انفعال را در شخصیت زن ناشی از وضع موجود می‌داند و معتقد است زن برای حفظ آرامش است که این‌گونه عمل می‌کند (همان، ۱۲۸-۱۲۹).

زری گفت: من که گفتم صد بار بگویم؟... اگر من بخواهم ایستادگی کنم باید اول جلو تو بایستم... می‌خواهی باز هم حرف راست بشنوی؟... پس بشنو، تو شجاعت مرا از من گرفته‌ای... آن‌قدر با تو مدارا کرده‌ام که دیگر مدارا عادت‌م شده است (همان، ۱۲۹).

این نگرش نویسنده درباره زری از خلال صحبت‌های او ادامه می‌یابد و به تدریج بیشتر می‌شود تا اینکه زن‌ها را خالق می‌داند و معتقد است چون مردها نیافریده‌اند، به جنگ و شورش می‌پردازند (همان، ۱۹۳). انقلاب شخصیت زری کم‌کم آغاز می‌شود تا در فصل هفدهم رمان اولین تحول در شخصیت زری شکل می‌گیرد: «زری گفت: کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد. یوسف نگاهی به او کرد و خندید و گفت: جان

دلم تو هم کم کم سرت توی حساب آمده.» (همان، ۲۱۱). در فصل بیستم شخصیت زری دگرگون می‌شود:

[زری] گفت: می‌خواستم بچه‌هایم را با محبت و در محیط آرام بزرگ کنم؛ اما حالا با کینه بزرگ می‌کنم. به دست خسرو تفنگ می‌دهم (همان، ۲۵۲).
 زری نگذاشت حرفش را تمام کند، گفت: شوهرم را به تیر ناحق کشته‌اند. حداقل کاری که می‌شود کرد عزاداری است. عزاداری که قدغن نیست. در زندگی‌اش هی ترسیدیم و سعی کردیم او را هم بترسانیم، حالا در مرگش دیگر از چه می‌ترسیم؟ آب از سر من یکی که گذشته... (همان، ۲۹۱).

۳-۷. سووشون در سطح تبیین

چنان‌که در سطح توصیف و کاربرد واژگان و تحلیل انتزاعی متن یادآور شدیم، دانشور توجه اصلی خود را در این رمان به حضور بیگانگان و انگلیسی‌ها در ایران معطوف کرده است. دانشور همچنین نظام آموزشی جدید را به نقد کشیده است. تعلیم *انجیل* در مدرسه‌ها و تأثیر آن بر زنان، آنان را سردرگم کرده است، به گونه‌ای که اسطوره‌های ملی و مذهبی را فراموش کرده‌اند. زری وقتی عکس سیاوش را روی چادر می‌بیند، نمی‌شناسد و یکبار آن را با یحیی تعمیم‌دهنده و بار دیگر با امام حسین (ع) تطبیق می‌دهد. از کتاب‌های درسی که حتی یک کلمه ننوشته‌اند آدم چطور حق خودش را بگیرد، (همان، ۱۳۵) خرده می‌گیرد و این طعنی آشکار به اثرپذیری بیمارگونه زبان از فضای استبدادی جامعه است.

حسن مبارزه‌جویی در رمان آشکار است. یوسف نماد کامل مبارزی آرمانخواه و سازش‌ناپذیر است. علاوه بر او، از شخصیت‌های دیگر چون شوهر عمه‌خانم نیز در رمان نام برده می‌شود که به‌نوعی اهل مبارزه با استبداد داخلی یا دخالت‌های خارجی است. واقعه عاشورا و یادکرد آن در رمان و پیوندش با اسطوره سیاوش، حسن مبارزه‌جویی با هرگونه ظلم را در داستان برانگیخته است و کسانی که در سال‌های انقلاب اسلامی (سال‌های تجدید چاپ این اثر) این کتاب را می‌خواندند، شور و حرکت بسیار در خود می‌دیدند.

رمان به نوعی زاری بر مظلومیت است و تلاش برای رسیدن به آزادی حتی در صورت از دست دادن جان (سووشون، ۶). یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های راوی در **سووشون**، تعامل با سنت است. این رمان نمودار دورانی از جامعه ایرانی است که می‌توان آن را دوره گذار نام نهاد؛ دوره‌ای که همه ابعاد جامعه دگرگون می‌شود و مردم بین سنت و تجدد سرگردان‌اند، یوسف راهی را انتخاب می‌کند که در آن هم سنت و هم تجدد است.

خواب زری مبنی بر اینکه در باغ درختی عجیب رویده است و غلام با آبپاش کوچکی به پای آن خون می‌ریزد (همان، ۲۵۴)، نشان و نمادی از درخت آزادی و آزادگی ارزش‌های انسانی است. برای اینکه این درخت از خشکیدن مصون بماند، باید گاه‌گاه از خون یکی از بی‌گناه‌ترین فرزندان آدمی آبیاری شود تا بدی، دنیا را در ظلمت فرو نبرد.

ساختار جامعه ایرانی از دیرباز با مذهب در آمیخته است. شناخت و تحلیل جامعه ایرانی بی‌توجه به مذهب و جلوه‌های آن ناممکن است. **سووشون** از آنجا که آینه‌دار راستین جامعه است، به مذهب به عنوان یکی از مهم‌ترین نمادهای فرهنگی - سیاسی می‌پردازد. اشاره صریح به واقعه کربلا، علاوه بر اینکه بر بُعد حماسی اثر می‌افزاید، پیامی رمزی است برای خوانندگان فارسی‌زبان که با روح واقعی قیام امام حسین (ع) آشنایند. آن‌ها با این پیام - حتی به بهای از دست دادن جان و شکست ظاهری - در مقابل هرگونه ظلم و ستم می‌ایستند و به تمثیلی از مظلومیت، مبارزه، شهادت و خونخواهی در همه زمان‌ها و مکان‌ها تبدیل می‌شوند؛ به‌ویژه اینکه پایان‌بندی داستان به‌گونه‌ای است که گویی وقایع انقلاب را پیشگویانه تصویر می‌کند. چاپ مکرر این کتاب در سال‌های بعد در شکل دادن به فرهنگ انقلابی دهه پنجاه نقشی آشکار داشته است.

دانشور در مقام اولین زن نویسنده ادبیات داستانی ایران، تحولی در نقش زن ایجاد کرده است. وی فمینیستی در چارچوب فرهنگ ایرانی و اسلامی است. او جلوه‌هایی از نظام مردسالار، ستم‌دیدگی و محرومیت زنان را از نظر حقوق فردی و اجتماعی نشان داده است. نقش زن را از انفعال خارج کرده و به نقشی کنشگر در عرصه سیاسی و

اجتماعی سوق داده است. وی معتقد است مردسالاری در ذهن و زبان جامعه ایرانی نفوذ کرده است و یکی از راه‌های جلوگیری از این ذهنیت و تفکر غلط، بزرگداشت زن و مساوی پنداشتن حقوق زن و مرد است؛ بنابراین، دانشور در پی دنیای ایده‌آل است.

نتیجه‌گیری

از نظرگاه تحلیل گفتمان انتقادی در بافت موقعیت تاریخی، رمان سووشون بیانگر حضور پررنگ و تأثیرگذار انگلیسی‌ها در دوره زمانی حساسی است که کانون آن را می‌توان جنگ جهانی دوم قلمداد کرد. نویسنده با انتخاب شخصیت‌های خارجی بر حضور پررنگ انگلیسی‌ها در شیراز تأکید دارد. این دوره از لحاظ تاریخی حساس است. در سطح موقعیت جامعه‌شناسی در رمان، فقر و محرومیت بر همه جنبه‌های زندگی مردم سایه افکنده است. در این وضع انگلیسی‌ها با حضور گسترده خود اموال مردم را غارت می‌کنند و گندم و آذوقه و نفت را می‌برند.

از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی و بر پایه نظریه فرکلاف، این نگرش زمینه‌ای است تا نویسنده آشفتگی داخلی را در رمان بیشتر کند. افراد و شخصیت‌های داستان در این اوضاع دو ویژگی دارند: ۱. گروهی افرادی انسان‌دوست‌اند و به فکر سرزمین و کشور خود هستند که یوسف نماینده آن‌هاست؛ ۲. گروه دیگر انسان‌های خودفروخته‌اند که حاضرند برای رسیدن به مقامی کشور را به دست بیگانگان بسپارند.

در این وضع نویسنده قهرمانانی می‌پروراند که با این مشکلات مبارزه کنند و منجی مردم باشند. در این میان یوسف شخص دلخواه و قهرمان رمان است که می‌توان چند مدلول برای او در نظر گرفت: ۱. یوسف منجی مردم است که همانند هم‌نام خود، یوسف نبی، در عین صداقت و پاکی در اعمال و رفتار، می‌خواهد مردم را نجات دهد. ۲. یوسف نماد و نماینده مبارزی است که در مقابل ناحق می‌ایستد و با شخصیت امام حسین (ع) پیوند می‌خورد. ۳. یوسف نماینده گروه روشنفکر (جلال آل‌احمد، مصدق و...) است که در برابر هر گونه مداخله بیگانگان در کشور و غارت منابع ملی

ایستاده‌اند. ۴. یوسف نماد سیاوش است که در عین صداقت و پاکی کردار و اعمال، بر اثر فتنه بیگانگان کشته می‌شود درحالی‌که گناهی ندارد.

از دیدگاه روش تحلیل گفتمان انتقادی، مهم‌ترین موارد تحلیل رمان براساس رویکرد نورمن فرکلاف عبارت است از: اسم‌سازی، کاربرد شخصیت‌ها و انتخاب واژگان خاص با دانش زمینه‌ای که نویسنده در انتخاب موضوعات به کار برده است؛ بررسی آسیب‌شناسانه اوضاع اجتماعی که نویسنده آن را با تیزبینی و با عنوان «محلّه مردستان» وصف کرده است؛ ارائه راه و چاره برای نجات از این اوضاع با انتخاب زبان و واژگان خاص؛ و سرانجام نوع نگاهی که نویسنده به شخصیت زنان دارد و اینکه تفاوت جنسیت را دستمایه‌ای برای داستان‌هایش قرار داده است.

از این‌رو، در بخش تحلیل رمان در سطح توصیف از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، از ده پرسشی که فرکلاف در سطح توصیف مطرح می‌کند، بیشتر توجه به نوع واژگان، شخصیت‌ها، مکان‌ها، هم‌نشینی و هم‌آیی واژگان، تضاد معنایی، کاربرد ضمائر و جنبه‌های اسم‌سازی و استعاری بود. پس از بررسی کاربرد واژگان، ساخت متن و کاربرد ساخت‌های نحوی می‌توان گفت دانشور با نگرشی که به اوضاع حاکم در آن دوره داشت، گفتمان تقابلی را برای این اثر در نظر گرفته است. وی برای مقابله با گفتمان حاکم، از طریق انتخاب واژگان خاص هم‌نشینی و هم‌آیی در کاربرد را ایجاد کرده است. شخصیت‌های داستان در مقام نماینده خود و دیگری در تقابل با هم هستند و در بحث جنسیت بر تبعیض‌ها و تفاوت‌هایی تأکید کرده که نظام مردسالار نسبت به زن روا داشته است.

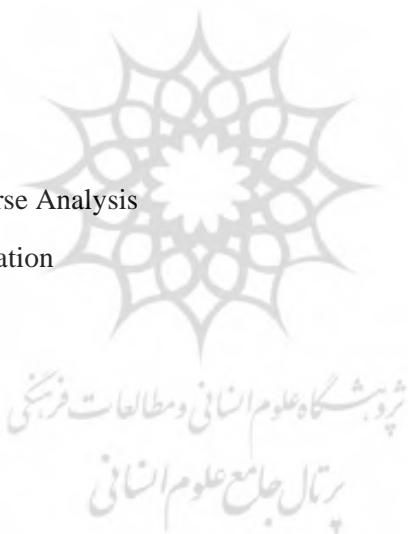
از نظر تحلیل گفتمان انتقادی، می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که نویسنده برای بیان کردن نقش استعمار در وضع زندگی مردم، در سطح توصیف با انتخاب واژگانی چون: دشمن خارجی، قحطی، فقر و فساد، بیگانه، مهمان ناخوانده، احتکار اموال مردم، و... نگرش خود را در مقابل غیر نشان داده است. در سطح تفسیر در مقابل این انتخاب نویسنده، با بازگشت به گذشته تاریخی و اسطوره‌ای کلمات را در معنای نمادین و اسطوره‌ای به کار برده و جنبه‌های ملی و مذهبی را به رمان افزوده است. در سطح تبیین نیز با پیوند جنبه‌های دینی و مذهبی و اسطوره‌ای با اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان

خودش، جنبه‌های هویت، مبارزه با غیر، ملیت و... را برجسته کرده است. این ویژگی در شخصیت یوسف با مدلول‌های استعاری‌اش (امام حسین(ع)، یوسف نبی، سیاوش و روشنفکران ایرانی) نمود یافته است.

در بررسی نقش زن در این رمان، نویسنده محرومیت زنان را از نظر حقوق فردی و اجتماعی نشان داده است. در این اثر شخصیت زن دگرگون می‌شود. زری که در آغاز زنی منفعل، و همه فکر و ذکرش به خانه و خانواده بود، به تدریج و با آهنگی طبیعی و خودجوش به میدان مبارزه و عرصه اجتماع کشیده می‌شود و به سوی احراز شخصیت مصلح اجتماعی به پیش می‌رود.

پی‌نوشت‌ها

1. Foucault, M
2. Fairclough, N
3. Wodak, R
4. Van Dijk, T
5. Fowler, R
6. Kress, G
7. Critical Discourse Analysis
8. Co-text
9. Context of Situation
10. Hazlitt, W
11. E. M. Forst
12. Halliday
13. Hodge
14. Trew
15. Ronald Carter
16. John Searle



منابع

- آبراهیمیان، یرواند. (۱۳۷۹). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. چ ۴. تهران: نشر نی.
- آرزین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. چ ۳. تهران: زوار.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.

- _____ (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». *فصلنامه ادب پژوهی*. ش ۱. صص ۱۷-۲۷.
- آفاگل زاده، فردوس، و مریم سادات غیثیان. (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی». *مجله زبان و زبان‌شناسی*. س ۳. ش ۱. صص ۳۹-۵۴.
- اربابی، عیسی. (۱۳۷۸). *چهار سرو افسانه*. تهران: اوحدی.
- بهرام‌پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). «درآمدی بر تحلیل گفتمان». *مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی*. به اهتمام محمدرضا تاجیک. تهران: فرهنگ گفتمان. صص ۱۲-۳۶.
- حسن‌لی، کاووس، و قاسم سالاری. (۱۳۸۶). «نشانه‌های فمینیسم در آثار سیمین دانشور». *مطالعات زنان*. س ۵. ش ۱. صص ۵-۲۵.
- دانشور، سیمین. (۱۳۸۰). *سووشون*. چ ۱۵. تهران: خوارزمی.
- سرمشقی، فاطمه. (۱۳۸۵). *رویکرد جامعه‌شناختی و فمینیستی در تحلیل رمان سووشون سیمین دانشور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). *شاهنامه فردوسی*. به کوشش سعید حمیدیان. چ ۷. تهران: نشر قطره.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. مترجمان فاطمه شایسته پیران و دیگران. ویراستاران محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قبادی، حسینعلی. (۱۳۸۳). «تحلیل درون‌مایه‌های سووشون از نظر مکتب‌های ادبی و گفتمان‌های اجتماعی». *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. دوره جدید. ش ۳. صص ۴۱-۵۴.
- کریمی، بهزاد. (۱۳۸۳). *بحران نان در ایران از مشروطیت تا پایان جنگ جهانی دوم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- کسروی، احمد. (۱۳۵۹). *تاریخ مشروطه*. چ ۱۵. تهران: امیرکبیر.
- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۶). *جدال نقش با نقاش در آثار سیمین دانشور*. تهران: نیلوفر.
- مقادادی، بهرام. (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبی از افلاطون تا عصر حاضر*. تهران: فکر روز.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۶). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ترجمه مهران مهاجر و محمدنبوی. چ ۲. تهران: آگه.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *ادبیات داستانی*. چ ۳. تهران: سخن.

- نیستانی، محمود. (۱۳۷۹). «تحلیل گفتمان انتقادی در عمل: (تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیلگر)». *تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلوف*. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. صص ۲۷۴-۲۹۸.

- Fairclough, Norman. (1995). *Critical Discourse Analysis*. Singapore.

- _____ (1989). *Language and Power*. London: Longman.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی